

## تحلیل انقلاب مخملین در تحولات آسیای مرکزی و قفقاز و تأثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران

یوسف زین‌العابدین\* - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، گروه جغرافیا، رشت، ایران  
سیدجواد میرزمانی - دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، رشت،  
ایران

پذیرش نهایی: ۹۱/۳/۲۵

دریافت مقاله: ۹۰/۷/۳۰

### چکیده

انقلاب‌های رنگی یا مخملین به براندازی نرم و بدون خشونت گفته می‌شود، که پس از فروپاشی شوروی خاصه در کشورهای تازه استقلال یافته آن، وارد ادبیات سیاسی شد. وقوع انقلاب‌های مخملی با حمایت غرب و آمریکا در کشورهای نظیر گرجستان (انقلاب گل زرد (۲۰۰۳م)، اوکراین (انقلاب نارنجی ۲۰۰۴ م)، و قرقیزستان (انقلاب لاله‌ای ۲۰۰۵ م) سبب تغییراتی در معادلات منطقه شد که جمهوری اسلامی ایران را نیز تحت تأثیر قرار داد که با مطالعه روند وقوع انقلاب، تغییرات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی این کشورها و تجزیه و تحلیل آنها می‌توان از تأثیر سو آن بر ایران کاست و از پیامدهای مثبت آن استقبال کرد.

واژگان کلیدی: انقلاب‌رنگی (مخملی)، براندازی نرم، ادبیات سیاسی، تغییرات سیاسی، تغییرات فرهنگی و اقتصادی.

## ۱. مقدمه

هر کس خبری از سیاست به طور عموم دریافت دارد، با اصطلاح انقلاب مخملی، رنگی یا گلی آشناست. انقلاب رنگی به معنی براندازی نرم حکومت با حمایت عامه مردم که معمولاً با حمایت غرب و آمریکا خاصه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز پس از فروپاشی شوروی سابق رخ داده، سبب تغییر حکومت‌ها شده است.

مطالعه انقلاب‌های مخملی مؤید تشابهات فراوان در کشورهای مختلف است. جمهوری اسلامی ایران به دلیل همجواری با بسیاری از این کشورها به صورت خودکار تحت تأثیر جریان‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی این کشورها قرار می‌گیرد. محض نمونه منابع نفتی ایران با وقوع انقلاب مخملی در کشورهای حاشیه دریای خزر تأثیر مستقیم پذیرفت یا هنگامی که ساختار فرهنگی این کشورها تغییر می‌یابد، به دلیل قرابت اقوام ایران با اقوام آذری، ارمنی و گرجی با این کشورها که خود به فرهنگ ایرانی تعلق خاطر دارند، ایران از بعد فرهنگی نیز از آنها تأثیر می‌پذیرد. اگر ایران بخواهد از تأثیرات منفی جنبه‌های مختلف این کشورها بر خود بکاهد، ناگزیر است در منطقه نقش فعال داشته باشد، تا علاوه بر جلوگیری کردن از انقلاب مخملی در حکومت خود، بتواند در معادلات این منطقه پیروز باشد و این مهم رخ نخواهد داد مگر با هشیاری، برنامه‌ریزی اصولی که در پناه امنیت ملی کشور انجام خواهد شد؛ از این رو این مقاله می‌خواهد به بررسی و تحلیل انقلاب مخملین در تحولات آسیای مرکزی و قفقاز بپردازد و تأثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران باز شناسد.

## ۲. طرح مسئله

انقلاب رنگی یا انقلاب مخملی به معنی نوعی دگرگونی که فاقد خونریزی و یا براندازی به روش بدون خشونت (براندازی نرم) می‌باشد که تحت تأثیر تحولات سیاسی و تغییر در ساختار روابط بین‌الملل خاصه پس از دوران جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی رخ داد و وارد ادبیات سیاسی شده است. آمریکا به عنوان داعی هژمونیک جهان همواره کوشیده است افزون بر حمایت‌های این انقلاب‌ها در مناطق نامبرده، حضور خود را نیز پررنگ و تأثیرگذارتر کند. از آن جا که این کشورها به لحاظ جغرافیایی در حوزه شمالی کشور ایران قرار گرفته‌اند، شایسته است پیامدهای انقلاب مخملی رخ داده در حوزه شوروی سابق از جمله آسیای مرکزی و قفقاز مورد بازخوانی و تحلیل قرار گیرد؛ زیرا به دلیل همجواری شان با ایران و هم چنین رغبت شیطنت آمیز آمریکا برای نفوذ و حضور در ایران، منافع سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ملی جمهوری اسلامی ایران دچار تغییر و دگرگونی خواهد شد. در این پژوهش با هدف تحلیل پیامدهای انقلاب‌های مخملی آسیای مرکزی و قفقاز بر امنیت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، نگارندگان درصدد است فرضیه پژوهش خود را که «تحولات آسیای مرکزی و قفقاز به واسطه انقلاب مخملین بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذار است» می‌باشد، تحلیل نماید و برای این پژوهش که از نوع کاربردی است به روش توصیفی-تحلیلی، موضوع مورد بحث را بر اساس منابع موجود از کتابخانه‌ها، اسناد، سایت‌های اینترنتی، نقشه‌ها و ... مطالعه و فیش برداری کرده و پس از تحلیل علمی به گزارش نهایی مبادرت نموده است.

### ۳. مروری بر ادبیات تحقیق

انقلاب‌های مخملی یا رنگین، شیوه‌های براندازی نرمی است که نوعی سرنگون کردن حاکمیت و جابجایی قدرت به وسیله تحولات سیاسی به صورت آرام و مسالمت‌آمیز رخ می‌دهد و از شیوه مبارزه منفی و نافرمانی مدنی نیز بهره می‌گیرد. این واژه برای نخستین بار توسط «والسلاو هاول»، رئیس جمهور پیشین چک، که در آن زمان رهبر مخالفان چکوسلواکی سابق بود وارد ادبیات سیاسی شد. این طرح و ایده به ترتیب در یوگسلاوی (۲۰۰۳م)، گرجستان (انقلاب گل زرد ۲۰۰۳م)، اوکراین (انقلاب نارنجی ۲۰۰۴م)، و قرقیزستان (انقلاب لاله‌ای ۲۰۰۵م)، لبنان و بلاروس ناکام (۲۰۰۵-۲۰۰۶م) صورت گرفت که عمدتاً به صورت نمادین نام انقلاب رنگی به خود گرفتند. تفاوت این انقلاب‌های رنگی با جنبش‌های اجتماعی در آن است که جنبش‌های اجتماعی نوعی حرکت طبیعی است که مبتنی بر نیازهای اجتماعی شکل می‌گیرد و در آن حرکت از پایین به بالاست یعنی از توده‌ها آغاز شده و به تدریج با انسجام یابی حرکت و مشخص شدن رهبری و شعارهای جنبش شکل‌گیری جدی به خود می‌گیرد، در حالی که انقلاب‌ها یا کودتاهای رنگی حرکت‌های مصنوعی و طراحی شده از بالا به پایین است که توسط احزاب گروه‌های سیاسی طراحی گردیده و برای تحقق اهداف مشخصی که اغلب قدرت است، به وقوع می‌پیوندد.

عمده فعالیت‌های انجام شده در انقلاب‌های رنگی را می‌توان این گونه برشمرد: تغییر در ساختارهای سیاسی کشورها از طریق تظاهرات مسالمت‌آمیز، مقاومت بدون خشونت در برابر یک حکومت اقتدارگرا که منجر به تغییر حکومت شود، حرکتی مردمی که در آن بدون خشونت و نونریزی به یک حکومت خودکامه اعتراض می‌کنند و هدف آن آزادی و تغییر رژیم است در این گونه انقلاب‌ها مردم رنگی را برمی‌گزینند و پوشش‌های خود مانند کلاه و لباس و شال‌گردن و روسری را از آن رنگ به تن می‌کنند، حرکتی که برای تغییر حکومت موجود با استفاده از عناصر داخلی و با حمایت سفارت آمریکا و آموزش دیدن توسط عوامل و بنیادهای آمریکایی که با سمبل قرار دادن یک رنگ خاص صورت می‌گیرد، نوعی دگرگونی بدون خشونت و خون‌ریزی است که در پی ایجاد تغییرات سیاسی در جامعه است (رفاهی، ۱۳۹۰: ۳۴).

در کلیه این انقلاب‌ها، ویژگی‌های مشترکی به شرح زیر مشاهده می‌شود:

- در همگی آنها از نمادهای رنگ و یا گل استفاده شده است، به گونه‌ای که با مطالعه چندین انقلاب مخملی مانند: انقلاب گل رز گرجستان در سال ۲۰۰۳ م، انقلاب نارنجی اوکراین در سال ۲۰۰۴ م، و انقلاب گل لاله قرقیزستان در سال ۲۰۰۵ م، می‌توان به چنین نتیجه‌ای دست یافت.

- در همه کشورهای نامبرده بجز قرقیزستان بدون استفاده از ابزارهای خشونت‌آمیز راهپیمایی خیابانی به پیروزی رسیدند.

- جریان‌ات ضد کمونیستی در اروپای مرکزی و اروپای تأثیرگذار بر این انقلاب‌ها بودند. دلیل اصلی وقوع انقلاب وجود خصوصیاتی چون ناکارآمدی در حل مشکلات عمومی و عدم مقبولیت عمومی حکومت وقت بود. آنان برای حل معضلات خود دموکراسی‌خواهی را به سبک لیبرالیسم، شعار اصلی خود قرار دادند.

- در حالی که مخالفین حکومت را به فساد مالی، فساد سیاسی و ناکارآمدی متهم می‌ساختند، از حمایت‌های مالی، سیاسی و تبلیغاتی غرب و آمریکا استفاده می‌کردند و هدایت و تأمین مالی شان از خارج صورت می‌گیرد.

- مخالفین انتخابات را بهترین فرصت برای تغییرات گسترده دانسته و هواداران را برای پیروزی در انتخابات ساماندهی کرده‌اند؛ از این روست که می‌بینیم ایجاد ذهنیت مسموم نظیر تقلب در انتخابات جرقه تمام آنها بوده است و به دنبال آن سلب اعتماد عمومی از سیستم اطلاع رسانی نظام حاکم برای جلوگیری از پذیرش اخبار در تمامی آنها مورد استفاده قرار گرفت.

- این انقلاب‌ها مردمی، سریع و ناگهانی بوده و با اعتراض به وجود تعارض‌های اجتماعی، مشکلات درون حکومتی، خاصه در دولت‌های متزلزل، با قرار دادن نظام حاکم و مردم در مقابل یکدیگر به هدف خود دست یافتند (رفاهی، ۱۳۹۰: ۳۶؛ نایینی، ۱۳۸۹)، (<http://baldarbal.com/vakavi-fetneh/221-makhmalih.html>).

#### ۴. روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیقی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته، توصیفی - تحلیلی است و از منابع کتابخانه‌ای، سایت اینترنت و استفاده از نقشه‌های مرتبط با موضوع تحقیق ارتباط داشته است، بهره گرفته شده است.

#### ۵. یافته‌ها

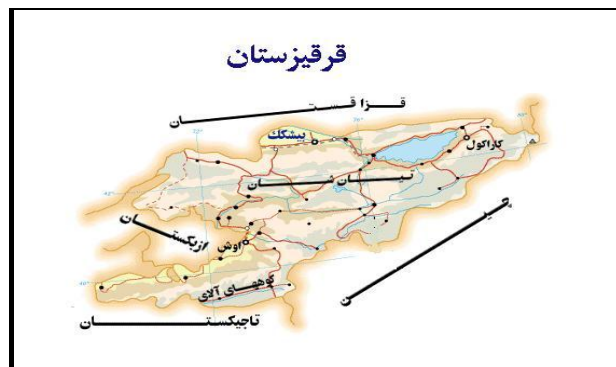
##### ۵-۱. موقعیت کشورهای آسیای مرکزی

آسیای مرکزی و قفقاز قلمروهای ژئوپلیتیک حساسی هستند که بین روسیه از یک طرف و چین، پاکستان، افغانستان، ایران و ترکیه از سوی دیگر فاصله انداخته‌اند. بنابراین ایالات متحده با حضور در عرصه آسیای مرکزی، دریای خزر و قفقاز، می‌تواند ارتباط قفقاز در جنوب، اوکراین و روسیه را با اروپا و غرب و قرقیزستان روسیه را با جنوب محدود ساخته و ارتباط آن را قطع کند. با این دیدگاه در وهله اول انقلاب نارنجی می‌تواند به استراتژی مهار از سوی آمریکا بدل شود. از قدرت نفوذ روسیه در منطقه بکاهد و بر قدرت و نفوذ آمریکا در این مناطق بیافزاید. واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به آمریکا فرصت داد وارد عرصه‌های پیرامونی روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز شود. حضور آمریکا به نگرانی‌های روسیه و چین افزود و سبب تقویت پیمان شانگهای و پیگیری مسایل آن با جدیت تمام از سوی چین و روسیه و پذیرفته شدن مغولستان، پاکستان، ایران و هند به عنوان اعضای ناظر شد. استروپ تالبوت، معاون سابق وزارت خارجه آمریکا، سیاست راهبردی حضور واشنگتن در این منطقه را گسترش دموکراسی، خلق اقتصاد بازار در منطقه، تثبیت امنیت و صلح در منطقه، تلاش برای ادغام این منطقه در جامعه جهانی می‌داند (<http://www.irdc.ir/fa/content/5954/default.aspx>). قلمرو ژئوپلیتیک روسیه که اساساً منطقه آسیای مرکزی، قفقاز و اروپای شرقی می‌باشد؛ بر سر حوزه نفوذ چند قدرت، روسیه در شمال، اتحادیه اروپا و ناتو در غرب، ایران در جنوب و هند و چین در شرق قرار گرفته است. وجود ذخایر قابل توجه انرژی (نفت و گاز) در مقیاس جهانی، سبب شده است تا منطقه خزر در نقشه ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک دنیا جای گیرد. پیش از وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رقابت‌های استراتژیک و رقابت بر سر منابع سوخت فسیلی، مهم‌ترین انگیزه حضور نیروهای خارجی و

دخیل شدن منافع آنها در منطقه به شمار می‌رفت. اما حملات ۱۱ سپتامبر، موقعیت ژئواستراتژیک منطقه را تغییر داد و این منطقه از اهمیت بیشتری برای آمریکا، ناتو و اتحادیه اروپا برخوردار شد (زارعی، ۱۳۸۴: ۱۵)؛ (<http://caspiasea.Mihanblog.com/extrapage/article10>). به منظور آشنایی بیشتر با این کشورها توضیحات خود را بر اساس نقشه کشورهای این منطقه که انقلاب‌های مخملی در آنها رخ داده پی می‌گیریم و از توضیحات بیشتر و شرح سایر کشورها صرف نظر می‌کنیم.

### ۵-۱-۱. موقعیت کشور قرقیزستان

این کشور با مساحت ۱۹۸۵۰۰ هزار کیلومتر مربع، با سرزمینی حاصل‌خیز مقام چهارم را در میان کشورهای آسیای مرکزی دارا است و تا پیروزی کمونیست‌ها در شوروی سابق، بخشی از ترکستان روسیه بود. در سال ۱۹۲۶ م. یکی از جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی شد. قرقیزستان پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱، مستقل شد و عسگر آقایف، رهبر حزب کمونیست قرقیزستان، به ریاست جمهوری این کشور رسید، آقایف از آغاز استقلال این کشور تا سال ۲۰۰۵ م. قدرت را در دست داشت و مردم با حمایت آمریکا، با «انقلاب زرد»، باقی‌اف را پس از کشیدن انتخابات ریاست جمهوری به دور دوم و به وجود آوردن جوی مغتشش، برکنار و عسگر آقایف را انتخاب کرده بودند تا پایگاه نظامی آمریکا در این کشور نفت و گاز و هم‌مرز با چین و افغانستان دایر گردد. آقایف قصد داشت تا پایان عمر در این سمت باقی‌بماند، اما اعتراض مردم سبب شد به روسیه پناهنده شد و قربان بیگ باقی‌یف به جای او به ریاست جمهوری رسید. قرقیزستان در حال حاضر مجموعاً ۷۰ نفر نماینده مجلس مردمی، ۷ نفر اعضا و یا هواداران این حزب را داراست. حزب حاکم فعلی حزب سوسیال دمکرات است که پروبرانه‌های حزب کمونیست شوروی بنا شده است. اعضای این حزب پست‌های کلیدی را در دست دارند و حزب حاکم خوانده می‌شوند (<http://www.iraneurasia.ir/fa/pages/clist.php?pa=65,1>).



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی کشور قرقیزستان

### ۵-۱-۲. موقعیت کشور گرجستان

استقلال گرجستان در سال (۱۳۷۰) ۱۹۹۱ ادوارد شوارد نادزه وزیر خارجه پیشین شوروی، به عنوان نخستین رئیس جمهور کشور برگزیده شد. گرجستان از همان زمان بر سر جمهوری‌های خودمختار اوستیای جنوبی و آبخازیا با روسیه اختلاف داشت؛ زیرا روسیه اجازه نمی‌داد که گرجستان، حاکمیت خود را در این دو منطقه اعمال کند. ولی به دلیل ضعف گرجستان و نیز

نزدیکی دولت وقت، به ویژه شخص شوارد نادزه به روسیه، این کشور تن به مصالحه با روسیه داد و پذیرفت که در امور جمهوری‌های خود مختار اوستیای جنوبی و آبخازیا دخالت نکند و با حضور نیروهای روسی در این دو منطقه مخالفتی نداشته باشد. اما پس از انقلاب رز (رنگین/مخملی) در سال ۱۳۸۲ در گرجستان که با پشتیبانی آمریکا صورت گرفت و منجر به برکناری دولت متمایل به روسیه و روی کار آمدن دولت غرب‌گرای میخایل ساکاشویلی شد، اوضاع سیاسی این کشور دگرگون شد. دولت جدید سیاست دوری از روسیه و نزدیکی به غرب (به ویژه آمریکا) را در پیش گرفت. همچنین این کشور خواهان عضویت در اتحادیه اروپا و ناتو شد. در مرداد ۱۳۸۷ و همزمان با بازی‌های المپیک تابستانی ۲۰۰۸ پکن، ارتش گرجستان برای بازگرداندن اوستیای جنوبی به خاک خود، به این منطقه یورش برد که با واکنش شدید روسیه مواجه شد و مجبور به عقب نشینی شد. اکنون روسیه تنها کشوری است که استقلال دو منطقه آبخازیا و اوستیای جنوبی را به رسمیت شناخته است و با حضور نیروهای خود در این دو منطقه، عملاً کنترل آنها را در دست دارد ( <http://www.iraneurasi.ir/fa/pages/clist.php> ) (pa=72,1).



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی کشور گرجستان

### ۵-۳. موقعیت کشور اوکراین

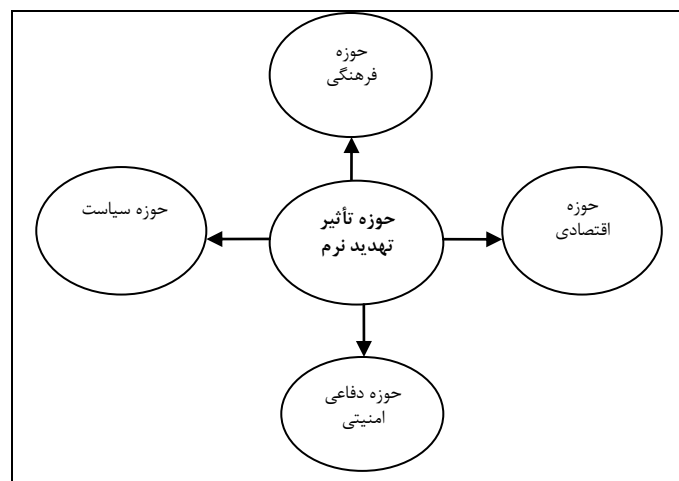
نظام سیاسی اوکراین، جمهوری ترکیب شده نیمه پارلمانی، نیمه ریاست جمهوری است که در آن قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه مستقل می‌باشند و رئیس جمهور در یک انتخابات عمومی برای ۵ سال به عنوان رئیس دولت انتخاب می‌شود. اوکراین به منظور نزدیکی به غرب، پس از کسب استقلال، به خلع سلاح اتمی و عدم همکاری با ایران در زمینه طرح‌های هسته‌ای، تن در داد. در پی انتخابات ۲۰۰۴، آمریکا از نقض قانون و ناعادلانه بودن انتخابات دم زد و با ایجاد فضایی پرتنش، در پی اعلام دادگاه عالی اوکراین مبنی بر ابطال انتخابات، در «انقلاب نارنجی»، یوشخینکو را به مدد برنامه‌های سازماندهی شده اینترنتی، برگزید. در حال حاضر ویکتور یانکوویچ با پیشی گرفتن از رقیب خود، یولیا تیموشنکو در دور دوم انتخابات ۲۰۱۰ ریاست جمهوری اوکراین، رئیس جمهور این کشور و نخست وزیر آن میکولا آزارف می‌باشد ( <http://www.iraneurasia.ir/fa/pages/clist.php?pa=126,1> ).



شکل ۳. موقعیت جغرافیایی کشور ایران

## ۵-۲. امنیت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

از آن جا که قصد داریم تأثیر انقلاب‌های مخملی را بر امنیت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورمان، ایران بررسی نماییم؛ پس در ابتدا به توصیف هر یک در حوزه‌های مورد مشاهده در تصویر می‌پردازیم.



شکل ۴. حوزه‌های تأثیر تهدید نرم (منبع: مرادی، ۱۳۸۹: ۱۱۱)

فرهنگ بیانگر شخصیت و هویت ملی یک کشور و دستاورد معرفتی و فنی انسان و همه جوامع می‌باشد. فرهنگ هر کشور دارای سه سطح کلی است که مفروضات اساسی و زیر ساخت‌های فکری جهان‌بینی (باورها) در سطح نخست، مجموعه‌ای از باورها و نیاورها (ایدئولوژی و ارزش‌ها) در سطح دوم فرهنگ و در نهایت الگوهای رفتاری و اقدام یک کشور، لایه سوم فرهنگ ملی تلقی می‌شود. با این توصیف می‌توان گفت تهدید نرم در حوزه فرهنگ، اندیشه، باور و رفتار فرهنگی یک کشور را در نظام اجتماعی هدف قرار می‌دهد. در بعد سیاست دولت‌ها به عنوان یک واحد سیاسی در نظام بین‌الملل با مؤلفه‌های جمعیت، قلمرو، حکومت و حاکمیت و نظام ارزشی مشخص، شکل می‌گیرند و همواره با تحولاتی از داخل و خارج مواجه می‌شوند.

برخی از تحولات موجب افزایش و برخی موجب تضعیف قدرت سیاسی آنها می‌شود. هر نظام سیاسی برای حفظ بقامندی خود، نیازمند ثبات سیاسی و انسجام ملی است. بنابراین افزایش مشروعیت سیاسی نخبگان و رهبران یک کشور به توانایی‌های آنها در ایجاد انسجام سیاسی و برخورداری از حمایت، رضایت‌مندی و قدرت سیاسی لازم را در حوزه داخلی و خارجی ایجاد نماید، با بحران‌ها و تهدیدات مختلف سیاسی مواجه خواهد شد (مرادی، ۱۳۸۹: ۱۰۹-۱۰۸). میزان اقتدار و هژمونی سیاسی یک کشور در جامعه، میزان انسجام و همزیستی مسالمت آمیز و حفظ هویت و یکپارچگی ملی، و میزان تولید و بازتولید هنجارهای سیاسی و به جریان انداختن گفتمان‌های مسلط در درون جامعه و در عرصه بین‌المللی و برخورداری از مقبولیت و مشروعیت لازم را می‌توان به عنوان شاخص‌های قدرت نرم در این حوزه نام برد. در مقابل در صورتی که کشوری دارای بحران‌های سیاسی باشد، این کشور در واقع فاقد قدرت نرم بوده و به طور طبیعی تهدید نرم در این حوزه مؤثر واقع خواهد شد. بحران‌های سیاسی شامل بحران‌های پنج‌گانه هویت، مشروعیت، نفوذ، توزیع و مشارکت است (همان، ۱۰۹).

برانگیختن شکاف‌های قومی، نژادی، مذهبی، فقدان عوامل پیوند دهنده هویت‌های فروملی، تحریف و تحقیر تاریخ و افتخارات ملی در یک کشور، می‌تواند به بحران هویت منجر شود. ایجاد شکاف بین مردم و رهبران، فقدان حمایت مردمی و مشروعیت بخشی به تصمیمات رهبران و شکل‌گیری نافرمانی‌های مدنی در یک جامعه بحران مشروعیت بوجود می‌آورد. انگیزه زایی و دلسرد کردن مردم جهت حضور در عرصه‌های تعیین‌کننده کشور، مصادیق بارز بحران مشارکت است. هم‌چنین عدم توزیع مناسب ثروت، شأن اجتماعی و امنیت در ایجاد بحران توزیع مؤثر است. تلاش برای تأثیرگذاری براراده و تصمیمات نخبگان و رهبران با ارباب، تطمیع از مصادیق بحران نفوذ به شمار می‌آید. مجموعه این موارد قدرت نرم یک نظام سیاسی را کاهش می‌دهد و به طور طبیعی آن نظام را در برابر تهدید نرم آسیب‌پذیر می‌نماید. فرهنگ جهت‌دهنده به الگوهای رفتاری در همه حوزه‌های اقتصادی سیاسی و فرهنگی است. تهدید نرم و تهاجم به نظام فرهنگی یک کشور (به عنوان جهت‌دهنده به سایر نظام‌ها)، موجب تهدید سایر نظام‌ها از جمله نظام اقتصادی می‌شود. به عبارت دیگر چیستی و ماهیت تهدید اقتصادی را می‌توان مترادف با تضعیف یا فروپاشی باورها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری یک کشور در حوزه اقتصاد دانست.

تهدید نرم در حوزه اقتصاد می‌تواند بر فرهنگ اقتصادی یک کشور در سه لایه اندیشه و نظریه، ارزش‌ها و الگوی تولیدات، ارزش‌ها و الگوی توزیع و مصرف اقتصاد کشور، اثر بگذارد. قدرت و توان رزم نیروهای مسلح یک کشور ترکیبی از توانایی‌های فیزیکی و غیر فیزیکی است. بخش غیر فیزیکی قدرت رزمی، تحت تأثیر قدرت نرم در حوزه دفاعی-امنیتی می‌باشد. در این سطح فرهنگ و الگوی دفاعی نظام‌های سیاسی، تعیین‌کننده میزان قدرت نرم در حوزه دفاعی-امنیتی است. هدف از تهدیدات نرم در این حوزه، تأثیر گذاری بر اندیشه، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری در حوزه دفاع و امنیت است. بنابر این هرگونه اقدامی که منجر به تغییر در فرهنگ و الگوی دفاعی کشور شود و یا به عبارت دیگر اندیشه دفاعی و عزم و اراده نبرد را تحت تأثیر قرار دهد، در زمره تهدیدات نرم در حوزه دفاعی-امنیتی قلمداد می‌شود تصویر زیر حوزه‌های تأثیر تهدید نرم را نشان می‌دهد (منبع پیشین، ۱۱۱-۱۱۰، ۱۰۸). فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در مقابل انقلاب‌های مخملین آسیای مرکزی و قفقاز:



## ۱. آسیای مرکزی

پس از فروپاشی شوروی، ایران در بعد سیاسی کوشید تا از رهگذر ارتباط و تماس مستقیم با کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، حضور و نفوذ یابد؛ از این رو در گام نخست، جمهوری‌های تازه استقلال یافته به ویژه کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را به رسمیت شناخت و وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران بلافاصله پس از اعلام استقلال از طرف این جمهوری‌ها به تأسیس نمایندگی‌های سیاسی خود در این کشورها اقدام کرد. فضای حاکم بر نظام بین‌المللی پس از جنگ سرد از یک سو فرصت پویایی و مانور را برای ایران در عرصه سیاست خارجی فراهم نمود، و از سوی دیگر با توجه به شرایط حاکم بر روابط ایران و آمریکا و مخالفت‌های این کشور با سیاست‌های ایران در منطقه، محدودیت‌هایی نیز به وجود آورده است. ایران با محدودیت دیگری هم روبرو بود و آن موقعیت برتر روسیه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز و حساسیت آشکار این کشور در خصوص تمایلات و تحولات این منطقه می‌باشد. ایران در تنظیم روابط خود نسبت به این منطقه با سه رویکرد متفاوت روبرو بوده است:

- رویکرد ایدئولوژیک با محوریت اسلام؛

- رویکرد فرهنگی با تأکید بر مشترکات فرهنگی، تاریخی و زبان فارسی؛

- رویکرد عمل‌گرایی با رعایت ملاحظات سیاسی.

ایران همچنان در وضعیت غیرآشتی‌جویانه با آمریکا به سر می‌برد و حساسیت روسیه را نیز نسبت به جمهوری‌های تازه استقلال یافته به خوبی درک کرده؛ لذا رویکرد سوم را با استفاده از مزایای رویکرد دوم انتخاب نمود. دولتمردان ایرانی در تعریف منافع ملی ایران در این منطقه کوشیدند در اوایل کار حتی‌المقدور کمترین تضاد را با سیاست‌های روسیه در منطقه داشته باشد. گاه سوال می‌شود که آیا ایران پس از جنگ سرد در تلاش است منافع ملی خود را در آسیای مرکزی و قفقاز در چارچوب سیاسی خارجی روسیه تعریف نماید؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که ایران در شروع کار خود در روابط با این جمهوری‌ها نمی‌خواست همزمان با آمریکا، ترکیه و روسیه در رقابت و تضاد باشد؛ پس در اوایل دهه ۱۹۹۰ م. سیاست همکاری و تقسیم منافع با روسیه را انتخاب نمود و این رویکرد تنها در برخی از عرصه‌های سیاست خارجی بدان عمل می‌شد. بدین ترتیب اهداف سیاست خارجی ایران در منطقه به ویژه در آسیای مرکزی و قفقاز به طور مستقل تعقیب می‌شد، اما همواره در ابتدای کار سعی می‌شد با منافع روسیه در برخی از جمهوری‌ها در تضاد آشکار نباشد.

با توجه به شرایط این جمهوری‌ها و معضلات سیاسی، اجتماعی و امنیتی آنها، موضوع امنیت و ثبات یکی از دل‌مشغولی‌های ایران در این منطقه می‌باشد. ایران معتقد است این جمهوری‌ها در شرایط ثبات و امنیت قادر به تأمین اهداف خود می‌باشند و از این رهگذر اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران نیز تأمین خواهد شد؛ پس به استقرار صلح و ثبات در مرزهای شمالی ایران، در مرزهای موجود در داخل آسیای مرکزی که تأمین‌کننده شرایط امن بر منافع ملی ایران نیز خواهد بود، می‌اندیشد و همواره تلاش کرده تا با بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی و مزیت‌های اقتصادی و فرهنگی خود از جمله میانجی‌گری در مناقشات و درگیری‌های موجود در منطقه به رفع بحران‌های بالقوه و بالفعل در منطقه کمک کند و منطقه را به سوی نوعی صلح پایدار رهنمون سازد. از دیگر اهداف اولویت‌های امنیتی ایران در منطقه آسیای مرکزی این است که در منطقه زمینه‌های نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای کاهش یابد که این

امر به ثبات و یا بی‌ثباتی منطقه بستگی تام دارد؛ از این رو ایران کوشش نموده تا همکاری امنیتی را در سطح منطقه تقویت نموده و بدین طریق تهدید ناشی از بی‌ثباتی و منازعات منطقه‌ای را خنثی سازد. در منطقه آسیای مرکزی، ایران سعی نموده با ایجاد روابط اقتصادی و فرهنگی که منافع مشترک دو جانبه و چند جانبه را تأمین می‌نماید و با تأکید بر منافع مشترک میان جمهوری‌های آسیای مرکزی و ایران، به نوعی منافع خود را با منافع منطقه گره بزند. در بعد اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با درک اهمیت و توجه ویژه به سوابق مشترک تاریخی و فرهنگی و نیز منابع غنی اقتصادی و بازار مناسب تجاری سعی کرده است با امضای توافقنامه‌هایی در بخش‌های مختلف اقتصادی و تجاری از جمله موافقت نامه‌های بلندمدت بازرگانی، حمایت و تشویق از سرمایه‌گذاری، اجتناب از أخذ مالیات مضاف، موافقت نامه‌های حمل و نقل زمینی و هوایی امضای ترتیبات بانکی و برگزاری اجلاس‌های منظم کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی، زمینه‌های لازم را برای گسترش مبادلات تجاری و توسعه همکاری‌های اقتصادی با هر یک از جمهوری‌ها فراهم آورد. آمار مبادلات بازرگانی طی سال‌های پس از فروپاشی شوروی گویای روند رو به افزایش حجم مبادلات تجاری با این کشورها می‌باشد.

توافقات خوبی در پروژه‌های زیربنایی مانند احداث خط آهن سرخس-تجن، احداث خط لوله انتقال گاز ترکمنستان به جمهوری اسلامی ایران، احداث خط لوله انتقال نفت نکا-ری، توسعه پایانه‌های مرزی، بهبود راه‌های منتهی به مرزهای مشترک در سمت ایران به عمل آمد و همزمان درخصوص یک رشته پروژه‌های اساسی دیگر مانند: احداث خط لوله انتقال نفت قزاقستان و ترکمنستان از قلمروی ایران به خلیج فارس و نیز گسترش همکاری‌های نفت و گاز با ترکمنستان مذاکرات اولیه انجام شد که به دلیل مخالفت آمریکا هنوز عملی نشده است. به طور کلی برخی از زمینه‌های مهم همکاری‌های اقتصادی جمهوری‌های آسیای مرکزی با ایران را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد. جمهوری‌های آسیای مرکزی بازار خوبی برای کالاهای ایرانی (مواد خوراکی، منسوجات، خودرو، لوازم ساختمانی و ...) می‌باشند.

ارتباط با جمهوری‌های آسیای مرکزی باعث بهبود صنعت حمل و نقل کشور شده است. ارتباط با این جمهوری‌ها باعث تقویت جایگاه ترانزیتی ایران در منطقه گردیده است. برای مثال ترانزیت کالا از ۹۰۰ هزار تن در سال ۱۳۷۳ به ۶/۲۷۳/۹۰۰ تن در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته که مبدأ یا مقصد ۸۱ درصد آن جمهوری‌های آسیای مرکزی بوده است. برخی از این جمهوری‌ها از منابع غنی انرژی برخوردار هستند که هم می‌توانند تکیه گاه خوبی برای تأمین نیازهای داخلی ایران در مناطق شمالی باشند و هم ایران می‌تواند به کانون ترانزیت انرژی این کشورها تبدیل شود. می‌دانیم که آسیای مرکزی جایگاه مهمی در جغرافیای تاریخی تمدن ایرانی به خود اختصاص داده است. بخش اعظم این منطقه جزئی از امپراتوری‌های ایران قبل از اسلام بوده است و بسیاری از اقوام کهن منطقه مانند: مادها و سغدی‌ها به نژاد هند و اروپایی ایران تعلق داشتند و یا این که مثل آرامنه تماس‌های فرهنگی نزدیکی با ایرانیان برقرار کرده بودند. از قرن هشتم و پیروزی اسلام به این سو و سپس به دست گرفتن قدرت توسط امپراتوری اسلامی، با روی کار آمدن پادشاهان ترک تبار شاهد شکوفایی ادبیات فارسی و سایر رشته‌های هنری تمدن اسلامی ایرانی (معماری، خط و نقاشی) و تأثیر تمدن ایرانی در این سرزمین‌ها هستیم. زبان فارسی هم جایگاه ویژه‌ای به خصوص در میان روشنفکران پیدا کرد؛ از این رو ایران، در

جنبه فرهنگی می‌تواند تأثیر زیادی در این کشورها داشته باشد، همان گونه که رهبران ایرانی با استفاده از فرهنگ اسلامی - ایرانی به توسعه روابط دوستانه با این کشورها تأکید دارند و ایران را در فرایند احیای پیوندهای فرهنگی بسیار مهم می‌دانند (http://caspianseas.mihanblog.com/extrapage/article7).

## ۲. در قفقاز

نگاهی به کارنامه فعالیت ایران در آسیای مرکزی و قفقاز نشان از تشابه زیاد عملکردش دارد که عمده فعالیت‌های ایران را در قفقاز فقط به طور گذرا پی می‌گیریم. بسان آسیای مرکزی ایران از جنبه سیاسی تلاش کرد، پس از فروپاشی شوروی با قفقاز رابطه دوستانه برقرار کند که با حسن استقبال هم مواجه شد و فرصتی برای تحکیم روابط با کشورهای منطقه حائل با روسیه و تقویت حضور در دیگر جمهوری‌های قفقاز تلقی می‌شود. پس از استقلال سه کشور جدید در قفقاز و با توجه به تحولاتی که پس از جنگ سرد به وجود آمد، بر اهمیت این منطقه افزوده شد؛ به طوری که برخی از صاحب نظران قفقاز را مکمل ژئوپلیتیکی ایران نامیده‌اند؛ پس ثبات و امنیت این جمهوری‌ها در دوران پس از استقلال برای کشورهای منطقه از جمله ایران مهم است تا بتواند در منطقه‌ای با ثبات با کشورهای قفقاز ارتباط برقرار کند که حصول این هدف علاوه بر تأمین منافع سیاسی ایران می‌تواند خنثی کننده طرح‌های سیاسی - امنیتی علیه امنیت ملی ایران باشد و موقعیت ایران را در معادلات قدرت منطقه‌ای افزایش دهد. ایران در بعد امنیتی با در نظر داشتن اتحاد جماهیر شوروی که یک تهدید برای ایران به حساب می‌آمد و ایران طی دو مقطع تاریخی از جانب مرزهای شمالی‌اش، تهدید به اشغال و سپس اشغال شده بود، هم اکنون با فروپاشی نظام شوروی، مرزهای تهدید علیه ایران از جانب روسیه، به ماورای کوه‌های قفقاز عقب می‌نشست و این امر به هر حال، یک مطلوبیت استراتژیک و امنیتی برای ایران محسوب می‌گردد. از آن جا که اقتصاد ایران با جمهوری‌های قفقاز در برخی حوزه‌ها مکمل می‌باشد و در زمینه نفت و گاز نیز امکان همکاری مهیاست، پس به لحاظ اقتصادی قفقاز برای ایران مهم می‌نماید. قفقاز یکی از محورهای ترانزیتی شمال - جنوب و یکی از محل‌های اتصال شریان‌های انرژی و حمل و نقل به اروپا محسوب می‌شود. مسیر ترانزیتی قفقاز به اروپا برای ایران از مزیت نسبی بیشتری نسبت به راه سنتی ترکیه برخوردار است و می‌تواند موجبات توسعه و شکوفایی اقتصادی ایران را به همراه داشته باشد. از دیدگاه فرهنگی نیز به دلیل پیشینه تاریخی، ایران از موقعیت و شرایط خوبی برخوردار می‌باشد. هر یک از اقوام آذری، ارمنی و گرجی با ایران آشنا می‌باشند و به فرهنگ ایرانی تعلق خاطر دارند. ضمن این که دومین کشور شیعه یعنی جمهوری آذربایجان در قفقاز قرار دارد و ارتباط نزدیک دو ملت ایران و آذربایجان می‌تواند تأمین کننده منافع دو کشور باشد (http://caspianseas.mihanblog.com/extrapage/article7).

## ۶. نتیجه گیری

بر اساس مطالب ذکر شده و تحلیل آنها با هدف دستیابی به پیامدهای انقلاب‌های مخرمی آسیای مرکزی و قفقاز بر امنیت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، روشن است که این تحولات در همه ابعاد فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران به

دلیل هم جواری با بسیاری از کشورهایی که انقلاب‌های رنگین را تجربه کرده‌اند، تأثیر دارد. ایران به لحاظ فرهنگی با بسیاری از این کشورها دارای پیشینه تاریخی و قومی است، به لحاظ اقتصادی خاصه در مسائل نفت و گاز با آنها در ارتباط است، مسلماً تحول در هر یک از ساختار فرهنگی و اقتصادی که معمولاً با امنیت نظامی درهم آمیخته بر امنیت هر سه حوزه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است؛ از این رو فرضیه پژوهش که مدعی بود «تحولات آسیای مرکزی و قفقاز به واسطه انقلاب مخملین بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است»، مثبت ارزیابی می‌شود. مثبت بودن این فرضیه بدین معنی است که ایران باید در منطقه با استفاده از تجربیات و وضعیت کشورهایی که متحمل انقلاب‌های مخملی شده‌اند، در همه جنبه‌های سیاسی، فرهنگی و نظامی، هم چنان که تا به امروز چنین کرده، هشیارانه و با تدبیر وارد عمل شود تا از وقوع انقلاب رنگی دیگر که ایران را هدف قرار داده است، جلوگیری نماید.

## ۷. منابع

۱. انقلاب‌های رنگی در کشورهای مختلف و خاورمیانه ( <http://www.zendedlan.blogfa.Com/post-123> ) (asp).
۲. حافظ‌نیا، ۱۳۸۵، آسیای مرکزی و قفقاز ( <http://caspianseamihanblog.com/extrapage/article10> )
۳. رفایی، اسماعیل، ۱۳۹۰، جنگ نرم و تهدید نرم، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۴. زارعی، ۱۳۸۴، آسیای مرکزی و قفقاز ( <http://caspianseamihanblog.com/extrapage/article10> )
۵. مرادی، حجت‌الله، ۱۳۸۹، قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل، انتشارات ساقی.
۶. قرقیزستان، آسیای مرکزی، معرفی کشورها، موسسه مطالعاتی ایران اوراسیا، ( <http://www.Iraneurasia.ir/fa/pages/clist.php?pa=65.1> )
۷. گرجستان، آسیای مرکزی، معرفی کشورها، 123- ( <http://www.zendedlan.blogfa.com/post.aspx> ) (Aspx).
۸. موسسه مطالعاتی ایران اوراسیا-اکراین، اوراسیا، آسیای مرکزی، معرفی کشورها.
۹. سیاست قدرت‌های مؤثر در آسیای مرکزی ( <http://www.iraneurasia.ir/fa/pages/clist.php?pa=126.1> )
۱۰. نائینی، علی محمد، ۱۳۸۸ ( <http://tames88.blogfa.com/post-100.aspx> )
۱۱. نائینی، علی محمد، ۱۳۸۹ ( <http://baldarbal.com/vakavi-fetneh/221-makhmaliha.html> )
12. <http://www.iraneurasia.ir/fa/pages/clist.php?pa=126.1>
13. <http://caspianseamihanblog.com/extrapage/article7>
14. <http://www.irdc.ir/fa/content/5954/default.aspx>
15. <http://caspianseamihanblog.com/extrapage/article10>